

تقریر دفتر استاد سید کاظم مصطفوی «زید عزه العالی» از درس خارج فقه
استاد سید کاظم مصطفوی؛ 1398/01/31



موضوع: مسئله شماره دهم

درباره مسئله شماره ده، گفته شد که تحقق عادت برای بانوان به وسیله دو مرتبه تکرار صورت می گیرد و گفتیم اجماع هست و نص خاص موثقه سماعه بود. منتها در شرحی که فقهاء وارد می شوند بحث و تحقیقی درباره عادت عددیه وجود دارد. گفتیم که سه قسم می شود عادت های مستقرّ غیر از مضطرّبه و مبتدئه، عادت های مستقر یا وقتیه و عددیه است که بحث نداریم یا قسم دوم عادت وقتیه است که باز هم درست است مثلاً اول هر ماه چند روزی، قسم سوم عادت عددیه است مثلاً پنج روز عادت دارد ولی وقت مشخص نیست، اول ماه باشد آخر باشد در یک ماه دو مرتبه باشد معلوم نیست. مشهور و مطابق متن که برای شما خواندیم این بود که «و ان كانا متمثلين في العدد فقط فهي ذات العاده العددية كما اذا رأت في اول شهر خمس و بعد عشرة ايام او ازید رأت خمستا اخرى» این متن هم این است که عادت عددیه براساس عدد است به وقت خضوع نمی کند. این عنوان را که گفتیم و متن ما هم این بود و دیگر شهرت هم این، اما قول بر خلاف هم هست که گفته می شود عددیه هم باید در شهرین هلالیین واقع بشود. در یک شهر قابل قبول نیست که بعد از فاصله ده روز مثلاً امکانش باشد که در یک ماه دو نوبت عادت بشود قابل التزام نیست. برای اینکه در نصوص خواندیم موثقه سماعه و روایت مرسله یونس که «فی الشهر الاول و فی الشهر الثانی» شهرین داشت و این وجود شهرین گویا دلالت دارد بر اینکه دو تا حیض در دو ماه باید صورت بگیرد.

استفاده از نصوص منطوقاً و مفهوماً

از این نصوص استفاده می شود هم استفاده منطوقی و هم استفاده مفهومی. استفاده منطوقی که دو تا شهر آمده و اما استفاده مفهومی دو تا شهر وصف است مفهومی این می شود که در کمتر از دو تا شهر دیگر عادت زمینه ندارد جا ندارد باید دو شهر هلالی باشد در حالت حیض تا عادت محقق بشود. بنابراین استدلالی که برای اشتراط شهرین هلالین در تحقق عادت گفته شده است استناد به همین دو روایت است منطوقاً و مفهوماً. این کلّ استدلال بود درباره اشتراط شهرین متوالیین در تحقق عادت.

قول مقابل که اشتراط شهرین در تحقق عادت قابل التزام نیست

اما در مقابل اعظم قدماء و متأخرین بر این اند که اشتراط شهرین در تحقق عادت قابل التزام نیست. 1. شیخ طائفه قدس الله نفسه الزکیه می فرماید که اگر مبتدئه «اذا رأّت خمسہ ایام ثم عشره ایام طهرها» و همین حالت یک بار دیگر تکرار بشود پنج روز ببیند بعد ده روز طاهر باشد. می فرماید که در این صورت عادت محقق می شود یعنی نیاز به تحقق شهرین هلالین در کار نیست. خود این عادت بعد از ده روز اگر دو نوبت متماثل تکرار شد عادت محقق است. [1] این کلام شیخ بود که گفته ایم که در بین فقهاء و مشهور کلام شیخ در ردیف ادله است کتاباً و سنتاً و اجماعاً و قول شیخین، شیخ در این حد اعتبار دارد. و همین طور علامه حلی قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: اگر یک مرأه ای در شهر خودش رویت دم داشته باشد عادت به او محقق می شود و بعد معنا می کند که منظور از شهر عادت برای مرأه این است که او خون که رویت می کند بعد از آن ده روز در حال طهر باشد که «علیه اجماع علماءنا» و بعد می فرماید: مجموع طهر و حیض در حداقل عندنا یعنی عند الامامیه سیزده روز است سه روز می شود اقل حیض و ده روز می شود اقل طهر. این هم موید بر این مطلب است که هلالین شرط نیست. [2]

کلام صاحب جواهر

3. صاحب جواهر قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: مطلبی که ادعاء شده است یا گفته شده است که شهرین هلالین در تحقق عادت شرط هست بر اساس خبرین متقدمین موثقه و مرسله ای که گفتیم می فرماید: «ضعفه ظاهر» این استدلال ضعیف است. برای اینکه شهرین از باب تغلیب آمده است قاعده هم اعلام می کند وصف یک جا مفهوم دارد و یک جا قطعاً مفهوم ندارد و بقیه جاها مورد شک است. وصف جایی که قطعاً مفهوم دارد جایی است که اگر مفهوم نگیریم ذکر وصف لغو باشد. اینجا قطعاً مفهوم دارد. لغو در کلام معصوم قابل التزام نیست. و جایی که وصف مفهوم ندارد این است که وصف به عنوان قید غالب آمده باشد اگر قید غالب بود که مفهوم ندارد. اینجا شهرین وصف است ولی وصف غالبی است غالباً بانوان در دو ماه رویت دم دارد این قید غالبی موجب مفهوم نمی شود پس صحیح همان است که گفته شد. [3] وانگهی می فرماید: می شود جمع بکنیم بین این اختلاف

نظر و بگوئیم آنهایی که شرط می دانند تحقق هلالین را در مورد عادت وقتی باشد و آنهایی که شرط نمی دانند در مورد عادت عددیه باشد. پس این اختلاف نفی و اثبات هر کدام موردی دارد غیر از مورد دیگری که تناقض و تحافتی در کار نباشد. 5. شیخ انصاری قدس الله نفسه الزکیه می فرماید: «لا اشکال فی عدم اعتبار تعدد شهرین الهلالیین فی تحقق العاده» شکی نیست که چنین شرطی وجود ندارد اولاً «لا شک» می فرماید و در جای دیگر دلیلش را تعرض می کند می فرماید: این اشتراط اساس ندارد برای اینکه آن خبرین متقدمین مضافاً بر اینکه یک مشکلاتی از حیث سند دیده می شود با اغماض از جهت سند که یکی مرسل است و یکی هم مشکل عدم توثیق در عین حال فرض کنیم این دو تا روایت از اعتبار برخوردار باشد دلالت بر مدعی طرف ندارد. برای اینکه آن دو تا روایت مطلق است فقط تکرار را محور قرار می دهیم که اگر دو تا رویت دم بعد از اقل حیض تکرار بشود عادت محقق می شود محور اصلی در بیان همان تکرار دو نوبت متماثل بعد از اقل طهر است و اصلاً اختصاصی و اشتراطی به تحقق شهرین هلالین ندارد. بنابراین آنچه که می توانیم درباره قسم سوم عادت عددیه در نظر بگیریم این شد که فقط خود عادت به طور مشخص بعد از اقل طهر صورت بگیرد. اما در دو ماه باشد یا در یک ماه باشد هیچ مانع و اشکالی در کار نیست. [4] تا اینجا مطلب معلوم شد و خصوصیات بعدی که ان شاء الله بحث کنیم.

اما درباره مناسبت امروز صحبتی بکنیم. «قال الامام المهدی علیه السلام فانا نحیط علماً بانباؤکم و لا یعزب عداً شیء من اخبارکم انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم» [5] این حدیث را اول ترجمه کنم که چقدر آقا لطف دارد، در مقدمه این لطف یک نکته را هم بگویم تمام این جمعی که اینجا نشستند است یک نفر استثناء نیست که طلبه شده است دست عنایت آقا را دیده یا احساس کرده یا احساس نکرده، بدون عنایت کسی طلبه و اهل علم نمی شود وسط راه می افتد و می رود کسی که برساند این بار را بدون عنایت خود آقا نمی شود. این دیگر برای ما خیلی مهم است که یکایک ما اهل علم که طلبه شده ایم با عنایت آقا بوده و در زندگی هم دیده ایم و باز هم می بینیم. و همان فرمایش مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی که به پدر بزرگوارش گفت ما صاحب داریم. دیگر هر کسی غم و غصه معنی و مفهوم ندارد تو یک گوشه چشمت غم عالم ببر، حیف باشد که تو باشی و مرا غم ببر. نمی شود، اصلاً کسی که آقا دارد غم ندارد. یک دانه آقا در کل هستی بیشتر نیست هر کسی یک آقایی دارد یک نسبتی به آقا دارد هر کسی که یک مقدار در جامعه آقایی دارد. یک مرجع تقلید که یک مقام بالای دینی و مذهبی بشود مثلاً آیت الله بروجردی و امام خمینی ارتباطش محکم شده است هر کسی ارتباطش نزدیک تر باشد آقایی اش بیشتر می شود. آقای هستی و مولای هستی خود آقا امام عصر سلام الله تعالی علیه است در تجربه هم آمده و حقیقت هم این است که هر فقیهی و هر طلبه ای که قوی تر و قدرتمندتر و موفق تر است رمزش ولایتش قوی تر است هر کسی ولایتش ضعیف است خیلی فکر می کند که من کسی هستم هیچ کسی نیست به قول آقا پیشیزی نیست. هر کسی که هستی دارد هستی او از عنایت ولی الله است. لذا طلبه موفق شرط اصلی طلبگی این است که تصور ما تصدیق باشد یعنی ما که تصور می کنیم که آقا داریم تصدیق باشد

مثلاً شما در زندگی الان تصدیق می کنید که الان خانه ای دارم واقعیتی که در ذهن تان دقیق جا افتاده وجود مقدس آقا هم در این حد باشد اگر از تصور به تصدیق نرسد مشکل دارد سعی کنیم از تصور به تصدیق برسد. و بعد هم نگویید که ما قابل نیستیم نه، چرا حدیث خواندم برایتان که من علما به اخبار شما احاطه دارم چه می گذرد از این آقا، آقا احاطه دارد. خدای متعال که محیط است که علمش محیط است ولی او هم که از سوی او ولی برای بشریت است علمش محیط است مخصوصاً برای اتباعش که خود آقا می فرماید «نحیط علما بانباکم» همه خبرها پیش اوست چیزی از اخبار شما پیش من فوت نمی شود. اینکه احاطه داری یک وقت غم و غصه بیاید به ذهن ما آقا هوای ما را ندارید شما در فکر ما نیستید؟ جوابش را از خود آقا می گیریم «انا غیر مهلمین لمراعاتکم» تحت رعایت و مراعات آقا هستیم اقا اهمال نمی کند. و جمله آخرش هم خیلی عجیب است «و لا ناسین لذكرکم» یاد شما را فراموش نمی کنیم قربان آقایی برویم که از این سربازهای نا اهلش اصلاً از یادش نمی رود فراموش نمی کند این گونه آقا داریم. و بنابراین ما در تمامی عرصه های زندگی هیچ گاه نه غربت داریم و نه تنهایی و نه بی کس و کاری، همیشه آقا داریم ارباب عالم هست چرخ این عالم در دست اوست ولی یک دانه از دل یا اباصالح المهدی ادرکنی گفتن می طلبد از دل، اگر حرکت کند از دل می گیرد شک نکنید. خب این آقا که این گونه است این قدر لطف دارد ما دیگر از متن بیشتر نداشتیم متن معتبر احتجاج شیخ طبرسی. حالا نکته ای درباره اعتقاد به آقا اشاره کنم و نکته ای در وضعیت ظهور آقا و اصلاح آقا که دنیا را اصلاح می کند. اما نکته ای درباره اعتقاد ما طلبه ها که دلیل نمی خواهیم از یقین بالاتر است. قسم می خورم که دست آقا بالا سر همه ماست. اما ادله این است که نصوص بگیریم آیات قرآن آیه نور شماره پنجاه و پنج و آیه انبیاء آیه صد و پنج و سوره قصص آیه پنج برای حکومت آقا اشاره می کند و وصف آقا را سوره طارق آیه سوم می شود که «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» که این نجم ثاقب که محدث نوری که کتابی درباره آقا امام زمان اسمش را گذاشته نجم ثاقب که صد و چند مورد تشریف را آنجا ذکر کرده. «النَّجْمُ الثَّاقِبُ» در تفسیر بروید مراجعه بکنید نجم ثاقب وجود مقدس آقا امام عصر است. و آیه دیگر هم یک تفسیر مختصری از امام خمینی داشتیم سوره و العصر را فرمودند که یکی از معانی والعصر یعنی قسم به عصاره جهان هستی امام عصر علیه السلام. صاحب العصر و صاحب تمام هستی که «و بالعصر بیان کرده خدای مهدی». این اشاره ای بود به آیات قرآن و نصوص در بین شیعه و سنی نصوص درباره امام زمان فوق تواتر است. یک عدد برایتان بگویم عدد طبق تحقیقی که شده است یک هزار و دویست و نود و شش روایت درباره آقا آمده است از طریق شیعه و سنی در سیصد کتاب. دویست کتاب از شیعه است و صد و نود کتاب از ابناء عامه. این نصوص را که دیدیم و این روایات که گرفتیم که در یک جمله شد یک هزار و دویست و نود و شش روایت اما نزدیک تر تشریف ها در حد تواتر. مثال بارز قطعی اش دیدید و خبر دارید شیخ مفید است علامه حلی است علامه بحر العلوم است سید ابوالحسن اصفهانی است و شیخ انصاری درباره اش گفته می شود و من این عقیده را دارم هر فقیهی که به جایی برسد بدون عنایت مولی در مقام فقاهاست نمی رسد. هر تلاشی و هر برنامه ای و هر مقدمه ای باشد به جایی نمی رسد آن را که آقا تایید نکند به جایی نمی رسد. مسئله که برای ما معلوم شد محبت آقا و لطف آقا و این هم کتاباً و سنتاً و اجماعاً شیعه و سنی اجماع دارد که مهدی

فاطمه خواهد آمد. اجماع دارند منتها آن را می گویند که بعدا به دنیا می آید ولی می گویند از نسل فاطمه زهراست نسل که ظهور دارد که نسل قریب باشد نسل بعید که خلاف ظاهر است. نسل هم می گویند روایاتش هم این است. و در ادیان الهی که وعده داده شده و نظیرش هم که طبق توافق و تسالم حضرت خضر و امثال گفته می شود و از اعتقاد دینی هم «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» اینها را برای دیگران گفته اند اما خود ما دیده ایم و طلبه ها هم می بینند خدمت آقا می رسند و این مراجع تقلید ما و این علامه حلی و این سید ابوالحسن اصفهانی و این سید بحر العلوم و اینها رسیده اند و شرفیاب شده اند و دستوراتی از آقا می گیرند در موارد ضرورت و واضح است که مراجع بزرگ تقلید در حد تواتر به محضر آقا رسیده اند. نکته اصلی اشتباه است که می گوئیم آقا غیبت دارد اشتباه است او حضور دارد ولی غائب نگشته ای که تمنا کنم تو را، پنهان نگشته ای که هویدا کنم تو را. او حضور دارد ولی ظهور ندارد ما چشمش را نداریم آن بصیرت لازم را نداریم ما برای نور و ظلمت، ظلمت وجود ندارد ما برای خود باید وجود ثابت کنیم نور که از ظلمت ساخته نیست که بیاید ظلمت برای نور وجود ثابت کند. ما باید تلاش کنیم تا ارتباط پیدا کنیم وجود پیدا کنیم وجود یعنی یک نورانیتی بگیریم که می شود وجود، الان عدم ایم نور که عدم ندارد نور که غیبت نمی کند نور حاضر است نور ظهور هم هست منتها ظهور هم دارد نور غیبت نمی کند ولی قابلیت می خواهد برای دیدن، ظلمت که نور نمی گیرد نور تلاش کند یک نورانیتی پیدا کند تا نور بگیرد. این است حقیقت مطلب. اما وضعیت ظهور آقا در یک کتابی هست به نام معارف الهی که کتابی چاپ شده در آنجا نوشته شده که آقا امام عصر یکی از معانی که تطبیق می کند آقا امام عصر که ظهور می کند با سلاح جدش ظهور می کند سلاح جدش چه بود؟ «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» [6] سلاح جدش ظهور می کند یعنی با خلق عظیم. که الان دنیا تشنه یک خلق عظیم است هر جا بحث اخلاقی از این و آن می شود اینها یک چیزهای بسیار کوچکی است یک خلق عظیم نداریم دنیا تشنه این است وقتی که بیاید یک خلق عظیم یک نما و نور اخلاق و تربیت به معنای کامل دنیا به طور ناخود آگاه جذبش می شود جذبش یک جذبی است که الان هم در باطن فطرت هر انسان هست گاهی آن فطرت یک ذره سرکوب شده در فطرت هر کسی میل به ولی الله است ولایت فطری است ولی وقتی که آن نور بیاید و بدرخشد جذب می شود همه مردم مثل مغناطیس جذب آن نور می شوند و دنیا نورانی می شود. این حرفها عوام است می گوید خدا کند آقا بیاید دنیا درست بشود، خیلی حرف نادرستی است عجب معرفتی داری، آقا بیاید جهان را نورانی می کند این دنیا دنیای دیگری می شود این دنیا که ظلمت است این دنیا یک وادی پر از نور می شود بعد آدم اگر عشق به مولی دارد مادیات را چه می کند ما می خواهیم فقط آقا را ببینیم ما فقط می خواهیم خدمتش باشیم یک سلامی بکنیم می خواهیم یک عرض ارادت بکنیم چیز دیگر نمی خواهیم، عشق این است عشق که غرض ندارد غرضی که بود عشق نیست معادلاتی نیست. بنابراین وجود آقا در عالم یعنی عالم ظلماتی که الان داریم این ظلمت و این ظلمانیت برود جهان بشود نورانی. یک جهان و یک وادی تاریک روشن بشود به جمال مقدس آقایمان امام عصر سلام الله تعالی علیه. اما دو نکته ای هم تذکری برای خود ما، تذکری این است که: 1. تصور را به تصدیق برسانیم، 2. همیشه به یاد آقا باشیم، ادب می طلبد آقا فرمود ما شما را فراموش نمی کنیم عیب است برای ما که ما آقا را فراموش کنیم آقا می فرماید: «لا ناسین

لذكرکم» مرحوم آيت الله العظمی بروجردی می گفت طلبه هر کجا که می روی یاد از آقا بکن. یک وقتی می بینی زمینه مساعد نیست اینجا زمینه مناسبت نیست به خاطر عدم مساعدت زمینه اسم آقا را نمی بری؟ مساعد نباشد. من یک جایی دانشگاه بودم یک نفر بسم الله الرحمن الرحيم نمی گفت فقط من یک نفر بودم بسم الله الرحمن الرحيم می گفتم و اسم آقا را می بردم ممکن است برای من عیب می گفتند و شاید هم مسخره می کردند بکنند ما که از اصول مان دست برنمی داریم. بنابراین هر کجا اسمی از آقا در مقدمه بحث مان برای آقا صلوات بگوییم و همچنین ذکر آقا را که بی ادبی است خیلی بی ادبی است که خیلی نمک شناسی است که آقا بگوید من یاد شما را فراموش نمی کنم در یاد شما هستم اما ما فراموش کنیم. یک دانه زیارت مختصر سه جمله دارد این را قطعاً بگویید در تعقیب های نمازهایتان «السلام عليك يا بقیه الله السلام عليك يا رحمه الله السلام عليك يا مولای يا ابی صالح المهدی و رحمه الله و برکاته». این کلمه بقیه الله در نص آمده کلمه رحمه الله هم در روایت و در نص آمده از وصف آقا امام عصر است. خدایا معرفت ما را به آقایمان بیش از پیش مورد عنایت قرار بده.

[1] المبسوط، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 48.

[2] منتهی المطلب، العلامة الحلی، ج 2، ص 313.

[3] جواهر الکلام، الشيخ محمد حسن النجفی، ج 3، ص 173.

[4] کتاب الطهارة، الشيخ الانصاری، ج 3، ص 189.

[5] الاحتجاج، الطبرسی، ج 1، ص 497.

[6] قلم/سوره 68، آیه 4.